

بررسی تطبیقی رسم الخط شاهنامه
 رشیدا با شیوه خوشنویسی
 عبدالرشید دیلمی



مجلس پنجم، کشته شدن سلم
 به دست منوچهر، شاهنامه رشیدا،
 ماخذ: کاخ موزه گلستان



بررسی تطبیقی رسم الخط شاهنامه رشیدا با شیوه خوشنویسی عبدالرشید دیلمی*

زهرا پاکزاد** دکتر سید محمد فدوی***

تاریخ دریافت مقاله : ۹۰/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۱/۲/۳۰

چکیده

شاهنامه رشیدا، یکی از نسخ خطی مصور دوره صفویه متعلق به سده یازدهم هـ. ق، و کتابت آن منسوب به عبدالرشید دیلمی است، به همین دلیل هم به شاهنامه رشیدا معروف است. معتمدالدوله، رئیس کتابخانه فتحعلی شاه قاجار در صفحه آستر بدرقه کتاب این انتساب را مرسوم کرد. در حالی که تطبیق شیوه رسم الخط شاهنامه رشیدا با آثار خوشنویسی عبدالرشید دیلمی مانند چهل کلمه و تحفه العراقین، تفاوت رسم الخط این آثار را از یکدیگر نشان می‌دهد. از سوی دیگر شواهد تاریخی نیز بر عدم صحت فرض پیشین تأکید دارد. از این رو هدف این مقاله بررسی سوابق تاریخی زندگی عبدالرشید دیلمی و آثار خوشنویسی وی و تطبیق رسم الخط و شیوه خوشنویسی او در شاهنامه منسوب به وی با سایر آثارش بوده است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد رسم الخط شاهنامه رشیدا متعلق به عبدالرشید دیلمی نمی‌باشد.

واژگان کلیدی

شاهنامه، شاهنامه رشیدا، عبدالرشید دیلمی، چهل کلمه، تحفه العراقین.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری با عنوان «شاهنامه رشیدا نقطه آغاز تحولات نگارگری ایران» با راهنمایی دکتر سیدمحمد فدوی و دکتر عبدالمجید حسینی رادمی باشد.

** دانشجوی دکتری، گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی گروه نقاشی دانشکده هنر دانشگاه الزهراء، شهر تهران، استان تهران

*** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران
Email: fadavi@ut.ac.ir

مقدمه

شاهنامه رشیدا، از نسخ مصور مهم سده یازده هـ.ق به شمار می‌رود که نود و سه نگاره بدون رقم دارد و متعلق به مکتب اصفهان است. خوشنویسی آن منسوب به عبدالرشید دیلمی است که وی خواهرزاده و شاگرد میرعماد قزوینی بود و پس از قتل میر، چندی در اصفهان به سر برد و سرانجام به هندوستان مهاجرت نمود و به دربار شاه جهان راه یافت و روز به روز بر مقامش افزوده شد.

عبدالرشید از خوشنویسان و کاتبان معروف دوره صفویه در ایران بود و روش وی در خط نستعلیق کاملاً مشابه شیوه میرعماد بوده است. جست و جو برای تکمیل اطلاعات پیرامون نسخ خطی که اجزای ترکیبی و محتوایی متعدد دارد، نیازمند بررسی تخصصی توسط اهل فن است.

می‌توان رهیافتی در نظر داشت که وام گرفته از یک یا چند سنت قابل مقایسه باشد. بررسی تطبیقی نمونه‌های هم‌تاریخ، کیفیت خلایق، اشتراک محتمل بین آن‌ها، ظهور موارد انکارناپذیر، انتقال اشکال و مایه‌های اصلی، یا فنون و شواهد ظاهری، فرض وجود قاعده و قانون مشترکی را فراهم می‌سازد که برای ارائه نظریه‌های اصولی جهت پذیرش و یا عدم پذیرش نتیجه نهایی به کار می‌رود و چگونگی ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی را درباره هر نسخه خطی تشریح می‌کند.

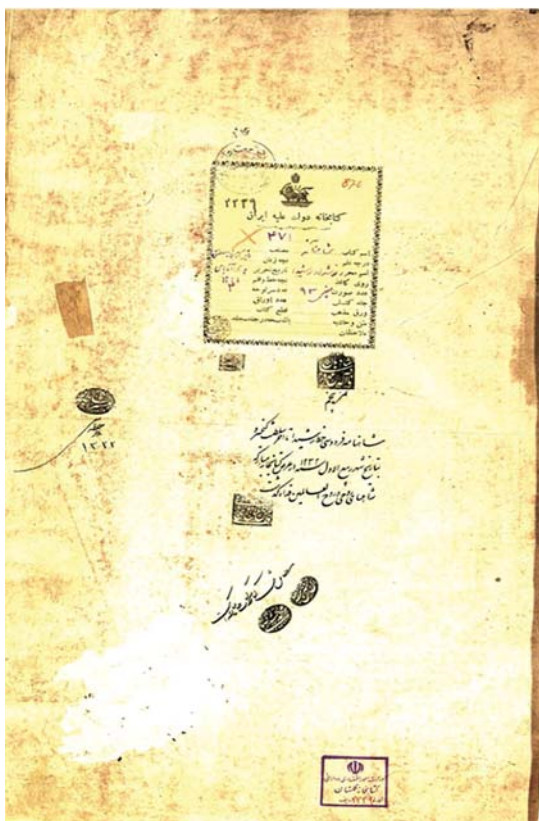
صدور یا پذیرش حکم قطعی در مورد نسخه خطی همچون شاهنامه رشیدا که تاریخ و رقمی در آن وجود ندارد، امکان پذیر نیست. در نتیجه قانون‌مندترین و اصولی‌ترین روش مطالعه پیرامون آن رجوع به شواهد مستدل و کنار هم قرار دادن نظریات محققان و صاحب‌نظران است.

هدف از نگارش این مقاله بررسی و تطبیق رسم الخط و شیوه خوشنویسی عبدالرشید دیلمی با شاهنامه رشیدا می‌باشد. سؤال اصلی این است که چگونه و از چه زمانی این شاهنامه به عبدالرشید دیلمی منتسب شده و چقدر صحت دارد. برای این منظور از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شده است. در روش میدانی با مصاحبه از استادان، بررسی و مشاهده مستقیم نمونه‌های در دسترس (موزه کاخ گلستان) اطلاعات لازم جمع‌آوری و سپس آثار خوشنویسی در مفردات حروف مورد تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفت.

پیشینه تحقیق این پژوهش شامل کتبی همچون فهرست کتب خطی کتابخانه سلطنتی به کوشش بدری آتابای (۱۳۵۳)، کتاب نامورنامه به نگارش عبدالمجید شریف‌زاده (۱۳۷۰) و گنجینه کتب و نفایس خطی کاخ موزه گلستان به همت حسن سمسار (۱۳۷۹) می‌باشد که نظرات مشابهی در مورد انتساب این شاهنامه به عبدالرشید دیلمی وجود دارد.

مشخصات شاهنامه منسوب به رشیدا

نسخه خطی شاهنامه رشیدا با شماره ۲۲۳۹ در کتابخانه کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود. این نسخه متعلق به سده یازدهم هـ.ق و به احتمال زیاد در کارگاه سلطنتی در اصفهان



تصویر ۱- صفحه آستر بدرقه شاهنامه رشیدا، ماخذ: بخش نسخ خطی، کاخ موزه گلستان

ساخته شده و از آنجا که کتابت آن به عبدالرشید دیلمی منسوب است به «شاهنامه رشیدا» معروف شده است.

این نسخه با قطع رحلی (۴۴/۵×۲۷ سانتی متر) شامل ۷۳۸ صفحه، هر صفحه ۲۳ سطر، هر سطر دو بیت است که به قلم نستعلیق و کتابت جلی عالی بر کاغذ اصفهان کتابت شده است. حاشیه صفحه اول و دوم این نسخه حاوی مقدمه است و سرلوح آغازین آن متنی مذهب مرصع دارد.

این نسخه شامل ۹۳ نگاره بدون رقم و به شیوه مکتب اصفهان کار شده است. جلد کتاب مقوای ابره^۱، چرم ساغری^۲، با زمینه مشکی است که بر آن طرح لچک و ترنج با دو سر ترنج با نقوش ختایی و به شیوه سوخت ضربی طلاپوش انجام شده و حاشیه‌ای با نقش ختایی طوماری دارد. اندازه ترنج ۱۳/۵×۹/۵ سانتی متر و داخل جلد نیز با چرمی به رنگ گلی و نقش ترنج و سرترنج با قلم طلایی کار شده است. پشت جلد و داخل آن نیز به همین شیوه و روش ساخته شده است.

در صفحه آستر بدرقه (صفحه سفید قبل از آغاز کتاب) برگ‌شناسایی کتابخانه دولت علیه ایران با تحریر بدری آتابای و چند دست خط و مَهر از جمله مَهر میرزا مهدی استرآبادی^۳، مَهر فتحعلی شاه، مَهر ناصرالدین شاه، مَهر مشیرالسلطنه و مَهر کتابدار کتابخانه سلطنتی فتحعلی شاه قاجار، عبدالوهاب موسوی^۴ دیده می‌شود.

میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی الممالک نادرشاه

۱- مقوای ابره: گونه‌ای است از کاغذ هنری و تزئینی که نقش‌های رنگ آمیز شده‌ای به هیأت ابرهای درهم و پیچیده و یا به صورت امواج و جریان آب داشته باشد. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۷)
۲- جلد ساغری: جلدی را گویند که روکش مقوای آن را از چرم اسب و آستر که استوار و محکم بوده است تعبیه می‌کرده‌اند. (همان، ۶۷۹)
۳- میرزا مهدی خان استرآبادی (ملقب به میرزا مهدی خان نادری، منشی الممالک و رئیس کتابخانه دربار نادر شاه افشار بود. (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۷، ۱۰۹)

۴- عبدالوهاب موسوی، منشی الممالک فتحعلی شاه قاجار و ملقب به معتمدالدوله بود و کتاب‌داری کتابخانه سلطنتی را به عهده داشت. در خطوط نستعلیق و به ویژه شکسته نستعلیق دست قوی داشت و از قرآن نویسان به‌شمار می‌آمد. (بیانی، ۱۳۴۶، ۹۴)



تصویر ۳ - مجلس سوم، کشته شدن ایرج به دست برادران، شاهنامه رشیدا، ماخذ: کاخ موزه گلستان

مشاهده می‌شود. در بالای صفحه در ترنجی زرین و به قلم سفیدآب، عبارت «فتحعلی شاه السلطان قاجار» را نوشته‌اند. نوع کاغذ دولت‌آبادی (اصفهانی) با متن زرافشان و اندازه آن $4 \times 26/4$ سانتی متر است. اندازه جدول تذهیب $2/20 \times 3/36$ سانتی متر و در وسط آن، به خط نستعلیق زیبا، در ۱۲ سطر مقدمه شاهنامه نوشته شده که بین سطور آن طلااندازی و دندان موشی شده است.

در مقدمه آن چنین آمده: «سپاس و آفرین خدایی را که این جهان آفرید و ما بندگان را اندر جهان پدیدار کرد.» اندازه جدول نوشته $8/6 \times 3/14$ سانتی متر است. صفحه دوم نیز همان روش تذهیب و ترصیع را دارد. (تصویر ۲) در صفحه سوم، مقدمه در جدولی به اندازه $5/10 \times 2/23$ سطر ادامه می‌یابد که روی متن آن زرافشان غبار شده و در صفحه هشت کتاب، اشعار مربوط به هجو سلطان محمود آمده است. صفحه دوازده، مشتمل بر فهرست پادشاهان است.

متن اصلی شاهنامه از صفحه پانزده آغاز می‌شود. این صفحه دارای سرلوح و کتیبه مذهب مرصع بسیار زیبایی است و نقوش گل‌های ختایی در متن طلایی و اسلیمی‌های دهن‌اژدری در زمینه‌آبی لاجوردی به آن زینت می‌بخشد. اطراف جدول را که اندازه $5/10 \times 2/32$ سانتی متر است، گل‌های ختایی درشت به رنگ طلایی و قلم‌گیری مشکی تزئین



تصویر ۲ - صفحه مقدمه شاهنامه رشیدا با حواشی مذهب (سمت راست)، ماخذ: بخش نسخ خطی، کاخ موزه گلستان

افشار بود که پس از مرگ او (نادر شاه) به قریه عطاآباد اصفهان رفت و بسیاری از نسخ خطی کتابخانه حاکم مشهد را نیز با خود برد. (جعفری مذهب، ۱۳۸۳، ۱۴۲۸) بخشی از کتب کتابخانه میرزا مهدی‌خان پس از دوره نادری در زمان پایتختی تهران به آستان قدس رضوی و مابقی آن به کاخ گلستان تهران انتقال یافت.

در وقف‌نامه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی عنوان برخی از نسخ کتابخانه میرزا مهدی‌خان استرآبادی ذکر شده است که در این نسخ عبارت وقف اولاد ذکور نوشته شده است. در کتاب مفاتیح الاعجاز در موزه کاخ گلستان نیز این عبارت از میرزا مهدی‌خان به همراه سجع‌مهر او دیده می‌شود. از این مطالب می‌توان دریافت شاهنامه رشیدا نیز از این طریق به کاخ گلستان راه یافته است.

در توضیحی که در صفحه آستر بدرقه، در مورد کاتب نوشته شده می‌خوانیم: «شاهنامه فردوسی خط رشیدا تا آخر سلطنت کیخسرو به تاریخ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۳۲ از عرضه کتابخانه مبارکه شاهنشاهی روحی و روح‌العالمین فداه‌گذشت.» (عبدالوهاب موسوی) (تصویر ۱)

صفحه اول (آغاز شاهنامه) و صفحه مقابل آن با تذهیب مرصع زیبایی مزین شده و در آن انواع نقوش ختایی و اسلیمی در حاشیه مذهب و کتیبه‌های بالا و پایین صفحه به‌کار رفته و رنگ‌های لاجوردی و طلایی و مشکی در آن

می‌کند، اندازه ۱۱×۱۵/۵ سانتی‌متر و اندازه کتیبه ۴×۱۵/۵ سانتی‌متر است. این صفحه، شاهنامه با ابیاتی چنین آغاز می‌شود:

بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

بین سطور طلااندازی و دندان‌موشی شده و فاصله میان ستون‌ها را که ۳/۱ سانتی‌متر است گل و بوته‌های ریزالوان تزئین می‌کند. در صفحه ۱۶، شاهنامه در جدولی به اندازه ۲۸×۱۵/۵ سانتی‌متر و در ۲۳ سطر که بین آن‌ها طلااندازی و دندان‌موشی شده، ادامه می‌یابد. (بدری آتابای، ۱۳۵۶، ۷۵۸) سرفصل داستان‌ها در تمام صفحات تا پایان به خط قرمز شنگرف و به خط نستعلیق نوشته شده است. (تصاویر ۴-۳) مشخصات سایر دست‌نوشته‌های عبدالرشید: قطعات،

چهل کلمه، تحفه‌العراقین

۱- نمونه‌های قطعات عبدالرشید به همراه رقم‌های وی که شیوه خوشنویسی او را آشکار می‌سازد. (تصاویر ۶-۵-۹-۸-۷)

۲- نام کامل نسخه، «چهل کلمه حضرت امیرعلی بن ابیطالب علیه‌السلام»، در قطع وزیری، بر کاغذ سمرقندی، و خط آن نستعلیق با کتابت ممتاز است. نام کاتب آن رشیدا به تاریخ ۱۰۳۲ هـ ق می‌باشد که به شماره اموال ۲۲۴۶ ثبت شده است. (تصویر ۱۱-۱۰)

۳- «تحفه‌العراقین» (منتخب اشعار خاقانی)، در قطع وزیری بر کاغذ اصفهان با خط نستعلیق کتابت شده، نام کاتب عبدالرشید و بدون تاریخ است و به شماره اموال ۶۷۰ ثبت شده است. (تصویر ۱۳-۱۲)

زندگی‌نامه عبدالرشید دیلمی و شرح حال او از نظر تاریخ نگاران

عبدالرشید دیلمی یکی از خوشنویسان نامی و شهیر سده ۱۱ هـ ق در عصر صفویه به‌شمار می‌آید. شهرت او به دلیل شاگردی نزد میرعماد و شباهت خطوطش به وی است. عبدالرشید دیلمی در ایران به نام «عبدالرشید» و «رشیدا» و در هندوستان به عنوان «آقارشید» و «آقا» خوانده می‌شد. «عبدالرشید دیلمی قزوینی، شهرت یافته به آقارشید، خوشنویس بی‌بدیل و خواهرزاده و شاگرد میرعماد (۱۰۲۴ هـ ق) است. از ملازمان خاصه بارگاه سعادت‌پناه شاهجهان و کتاب‌دار خاصه بلندآشیان آن مقام» (کنبوا، ۱۹۶۷، ۵۴۸) غلام محمد هفت‌قلمی در کتاب خود تذکره هفت‌قلمی، مدت اقامت عبدالرشید را در دربار هند را تاریخ ۱۰۶۹-۱۰۳۷ هـ ق، ذکر کرده و احتمالاً او نیز از مقالات مولوی محمد شفیع بهره برده است، این موضوع در کتاب «هنروران و خط و خطاطان» آمده است. «سیدآقا رشیدا شاگرد و هم‌شیره‌زاده میرعماد شهید، به فنون و دانش و خوش‌ذاتی، آراستگی داشت. در خدمت آن پادشاه افاضل پناه ترقی کرده و همواره به خدمات لایقه ممتاز و در عهد سعادت مهد، محمدشاه که به کبرسن رسید به خدمت بیوتاتی مستقر در دارالخلافه



تصویر ۴- مجلس پنجم، کشته شدن سلم به دست منوچهر، شاهنامه رشیدا، ماخذ: کاخ موزه گلستان



تصویر ۵- قطعه (تک برگ)، ماخذ: بخش نسخ خطی هنر اسلامی، کتابخانه ملی

۱- محمد صالح کنبو، کاتب و مورخ دربار شاه جهان و هم‌عصر با عبدالرشید بوده است و از تالیفات او شاهجهان‌نامه است. (هفت قلمی، ۱۳۷۷، ۳۴۰)

۲- مولوی محمد شفیع، کاتب و خوشنویس دربار محمد شاه در هندوستان بوده است. (همان، ۱۳۶۷)



تصویر ۸ - قطعه (تک برگ) ماخذ: بخش نسخ خطی هنر اسلامی، کتابخانه ملی



تصویر ۷ - قطعه (تک برگ)، ماخذ: بخش نسخ خطی هنر اسلامی، کتابخانه ملی



تصویر ۶ - قطعه (تک برگ)، ماخذ: بخش نسخ خطی هنر اسلامی، کتابخانه ملی

به دعاگویی دولت ابدقرین مشغول باشد و سایه آن کعبه حاجات بر سر بندها گسترده باد». (لاهوری، ۱۹۶۷، ۲۶۹ - هفت قلمی، ۱۳۷۷، ۲۷۶)

از محتوی این نامه چند نکته آشکار می‌شود: اول آن که عبدالرشید دیلمی به مدت بیست و سه سال در دربار شاهجهان به خدمت مشغول بوده است. دیگر این که پس از استعفا، تقاضای رفتن به اکبرآباد و یا لاهور را داشته و سخنی مبنی بر بازگشت به ایران در میان نبوده زیرا شرایط مناسب برایش در موطن وجود نداشته است. می‌توان نتیجه گرفت، عبدالرشید دیلمی تا پایان عمر در کشور هندوستان بوده و مرگش نیز در آنجا اتفاق افتاده است.

میرزا محمدبن رستم حارثی بدخشی دهلوی در کتاب «تاریخ محمدی» درباره طول عمر و زمان مرگ رشید نوشته است: «عبدالرشید دیلمی قزوینی، معروف به آقارشید، در اکبرآباد فوت شد. عمرش قریب نود سال بود. سعیدای اشرف از شاگردان بزرگ وی به سفارش زیب‌النساء یگانه دخترشاهجهان و تعلیم یافته عبدالرشید دیلمی به کلک و قلم خوش زیب یافته، در رثای مرگ آقا رشید شعری سرود.» (حارثی بدخشی دهلوی، ۲۰۰۳، ۳۶۴)

شعر سروده شده توسط سعیدای اشرف در کتاب‌های هفت قلمی و رستم حارثی بدخشی آمده است:

کرده بود ایزد عنایت خوشنویس و شاعری
کز وجود هر دو کردی افتخار ایام ما
بود اسم و رسم آن عبدالرشید دیلمی
بود نام این، علی بیک و تخلص صایبا

اکبرآباد سرافرازی دارد.» (مولوی، ۱۹۶۷، ۲۱۸)

از این متن درمی‌یابیم عبدالرشید از سادات بوده زیرا محمدشفیع نام او را «سیدآقارشید» نوشته است. در بعضی از قطعات او نیز رقم «عبدالرشید حسنی» آمده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم پدر رشید نیز با میرعماد نسبت داشته و به این دلیل نسبت حسنی یافته است.

موضوع دیگر این که عبدالرشید دیلمی به کبر سن رسیده و تا حکومت محمدشاه نیز به خدمت در دربار هند مشغول بوده است. رشید ظاهرًا در اواخر دوره سلطنت شاهجهان، از شغل خود استعفا نمود و عذر خود را در عریضه‌ای نوشته است. متن این نامه در تذکره هفت قلمی و همچنین در کتاب «شاهجهان نامه» نوشته عبدالحمید لاهوری آمده است: «خلیفه الرحمانی، صاحب قران ثانی عرضه داشت بنده فدوی، عبدالرشید سجدات عبودیت به تقدیم رسانیده به عرض حجاب بارگاه عرش اشتباه می‌رساند کهر فاهیت سلسله میرعماد در ولایت قزلباش میسر نیست.

چنانچه اکثری از خویشان و همشیرزاده‌های میر، در ممالک روم، توطن اختیار نموده‌اند، از این جهت نیز روی امید به درگاه خلیق پناه آورده و به عنایت ایزدی، این سعادت نصیب بنده شد که مدت بیست و سه سال به خاکروبی این آستان سعادت نشان، سرافرازی داشت در این ایام غیبت بیماری‌های متعدد مزاج را ضعیف نموده از خجالت تقصیر خدمت ملاحظه می‌نماید. اگر رضای خاطر مقدس بوده باشد، در سایه عدالت حضرت، در لاهور یا اکبرآباد، هر جا که حضرت حکم کند، گوشه گرفته با خانه‌زادان حضرت



تصویر ۱۰- چهل کلمه، کتابت عبدالرشید دیلمی، ماخذ: بخش نسخ خطی کاخ موزه گلستان



تصویر ۹- مشق رشیدا، نستعلیق، ماخذ: بخش نسخ خطی هنر اسلامی کتابخانه ملی

آیدین آغداشلو با تاکید بر شیوه نقاشی و سبک نگاره‌های شاهنامه رشیدا عقیده دارد در زمان تهیه شاهنامه منسوب به رشیدا، عبدالرشید دیلمی بایستی در دربار شاه جهان در هند بوده باشد، یعنی حدود تاریخی ۱۰۴۰ تا ۱۰۶۰ ه.ق. (آغداشلو، مصاحبه خرداد ۱۳۸۹) هم چنان که هفت قلمی در تذکره خود سال ورود عبدالرشید را به هند (۱۰۳۷ ه.ق) عنوان نموده است. با توجه به شیوه نگاره‌ها، تذهیب، جلد و کتاب‌آرایی نمی‌توان این فرض را در نظر داشت که عبدالرشید این شاهنامه را خارج از مرزهای ایران کتابت کرده باشد و سپس در ایران آرایه‌ها و نگاره‌های آن اجرا شده باشد. کتاب‌ها و رسالات به خط رشیدا در کاخ موزه گلستان و آستان قدس رضوی

مجموعه آثار خطی عبدالرشید دیلمی که در کاخ موزه گلستان و آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود بیش‌تر به صورت نسخه‌های کوچک در مجموعه‌هایی از اشعار با مضامین عرفانی و ادعیه و آیات قرآن می‌باشد که برخی از آن‌ها رقم و تاریخ دارد و برخی دیگر بدون تاریخ است. این مجموعه عبارت است از: خلدبرین، به تاریخ شهرجمادی‌الآخر سنه الف [۱۰۰۰]، کتبه العبد المذنب عبدالرشید غفر ذنوبه به شماره ۲۲۲۴، در کاخ موزه گلستان.

ترجمه الصلوه، به قلم نیم‌دانگ خوش، با رقم «کتبه العبد المذنب عبدالرشید»، به شماره ۶۱۰، در کاخ موزه گلستان. مقالات خواجه عبدالله انصاری، به قلم کتابت خوش، با

آن پسر هم شیره میر عماد خوشنویس
این برادرزاده شمس الحق شیرین ادا
آن ز هفت اقلیم خطا، کلکش قلم رو داشتی
وین ز اصناف سخن، بودی ضمیرش پادشا
آن به هندوستان صورت، صاحب سیف و قلم
این در ایران معانی، صاحب کوس و لوا
اتفاقا هر دو یک سال، با اسم متفق

رخت بر بستند از اینجا، جانب دار البقا
محمد هفت قلمی نیز به استناد شعر سعیدای اشرف
در تذکره خود تاریخ مرگ رشیدا را به سال ۱۰۸۱ ه.ق دانسته است. (هفت قلمی، ۱۳۷۷، ۲۸۵)

مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان نستعلیق در مورد رشیدا نوشته است که وی پس از مرگ شاه جهان در دوره کشورداری اورنگ زیب نیز می‌زیسته و سرانجام در اکبرآباد (آگره) وفات می‌یابد. (بیانی، ۱۳۴۶، ۴۱۱) این‌ها نشان می‌دهد رشیدا از سال (۱۰۳۷ ه.ق) بازگشتی به ایران نداشته و نمی‌توان تصور کرد که او پس از بازگشت به ایران شاهنامه‌ای نوشته باشد.

از خطوط رشیدا آثار متعددی وجود دارد که تاریخ نگارش همه آن‌ها بین سال‌های ۱۰۳۰ تا ۱۰۷۱ ه.ق است. تاریخ ۱۰۷۱ ه.ق، سال‌های پایانی فعالیت هنری رشیدا را نشان می‌دهد و از سوی دیگر وقوع وفات او را در سال ۱۰۸۱ ه.ق، بیش‌تر اثبات می‌کند.

فقیر عبدالرشید»، «مشقه العبد الاقل المذنب عبدالرشید الشریف الحسنی غفر ذنوبه»، «مشقه عبدالرشید غفر له»، «فقیر عبدالرشید دلمی الشریف الحسنی»، «نمقه عبدالرشید دلمی» و «کتبه العبد الفقیر المذنب عبدالرشید دلمی غفر ذنوبه و ستر عیوبه» بنده شاه جهان عبدالرشید دلمی که به صورت مهری بزرگ و بیضی شکل است. (تصویر ۱۴) این مهر را او زمانی که در دربار شاه جهان به خدمت مشغول بوده، به کار برده است. تنها یک نسخه خطی در موزه کاخ گلستان به نام «مفاتیح الاعجاز» به شماره اموال ۵۱۹ مهر عبدالرشید دلمی به نام بنده شاه جهان عبدالرشید دلمی را دارد. این کتاب توسط میرزامهدی خان استرآبادی منشی الممالک نادرشاه افشار پس از فتح دهلی از هند به ایران آورده شده است. (نمونه رقم‌های عبدالرشید دلمی در قطعات او مشهود است. (تصاویر ۱۳-۱۱-۹-۸-۷-۶-۵)

از بین رقم‌های عبدالرشید دلمی یک نکته بسیار مهم می‌توان در نظر گرفت، و آن این است که تمامی رقم‌ها به نام عبدالرشید دلمی نوشته شده به جز یکی که به نام «مشق رشید» است. این رقم در یکی از قطعات بدون تاریخ وی در کتابخانه ملی به شماره ۲۲۸۲۴ نشان می‌دهد وی لقب خود را رشید نامیده است و این نام، او را به شاهنامه منسوب به رشید مرتبط می‌سازد. (تصویر ۹)

پیشینه انتساب خوشنویسی شاهنامه به عبدالرشید دلمی

در کتاب‌های «حوال و آثار خوشنویسان» (۱۳۶۳) از مهدی بیانی، «دانشنامه هنرمندان اسلامی» (۱۳۸۰) سرمدی، «تاریخ محمدی» (۲۰۰۲) میرزا محمد بن رستم حارثی بدخشی دهلوی، «شاه جهان نامه» (۱۹۶۷) جلد اول، عبدالحمید لاهوری، «شاه جهان نامه» (۱۹۶۷) جلد دوم، محمد صالح کنبو، «هنروران و خط و خطاطان» (۱۹۶۷) مولوی محمد شفیع، «تاریخ اورنگ زیب» شرحی بر تذکره مشایخ و خطاطان (۱۹۷۹) محمد بختاوران و در کتاب «تذکره هفت قلمی» (۱۳۷۷) غلام محمد هفت قلمی هروی، گفتاری مشابه در مورد عبدالرشید و شرحی بر آثار به جامانده از او آمده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها اشاره‌ای به شاهنامه نوشته شده توسط وی ننموده‌اند.

در «گلستان هنر» (۱۳۶۶) قاضی احمد قمی، در «عالم آرای عباسی» (۱۳۷۰) اسکندر بیگ ترکمان فقط به نام وی به عنوان شاگرد و خواهرزاده میرعماد اشاره کرده‌اند. در کتب تاریخی مورخانی مانند هندوشاه استرآبادی در «تاریخ فرشته» (۱۳۸۸) ویداونی در «منتخب التواریخ» (۱۳۸۰) و قاضی احمد توری و آصف خان قزوینی در کتاب «تاریخ الفی» (۱۳۷۸) از عبدالرشید دلمی به عنوان خطاط دربار شاه جهان در هندوستان یاد کرده‌اند.

علی اصغر حکمت در کتاب سرزمین هند جز این مطالب اطلاعاتی دیگری بیان نداشته است. همچنین در کتاب فهرست مشترک منظومه‌های خطی فارسی پاکستان و هند چاپ لاهور، (۲۰۰۱)، فهرست کتابخانه سالار جنگ (چاپ



تصویر ۱۱- چهل کلمه، کتابت عبدالرشید دلمی، بخش نسخ خطی کاخ موزه گلستان

رقم «کتبه عبدالرشید»، به شماره ۹۶۰، در کاخ موزه گلستان چهل کلمه، به قلم دو دانگ و کتابت عالی، با رقم «شرف بکتبها العبد الحقیق رشید»، غفر الله ذنوبه، فی سنه ۱۰۳۲ من الهجره النبوه»، به شماره ۲۲۴۶، در کاخ موزه گلستان.

ترجیع بند، به قلم کتابت خوش، با رقم «عبدالرشید» به شماره ۷۴۲، در کاخ موزه گلستان.

تحفه العراقین، نستعلیق یک دانگ، کتابت ممتاز، با رقم کتب المذنب عبدالرشید به شماره ۶۷۰، در کاخ موزه گلستان.

اشعار ابوتراب فرقتی انجرائی جوشقانی، خط نستعلیق نیم دو دانگ کتابت جلی عالی، با رقم کتب المذنب عبدالرشید، به شماره ۵۳۷، در کاخ موزه گلستان.

آداب دعا، نستعلیق دو دانگ کتابت جلی به شماره ۱۲۸۴۴، در آستان قدس رضوی.

جنة الامان الواقيه و جنة الايمان الباقية، نوشته مصباح کفعمی به زبان عربی، نستعلیق دو دانگ به شماره ۹۳۶۲، در آستان قدس رضوی.

شرح دیوان خاقانی، نوشته داوود شادی آبادی، به فارسی، نستعلیق دو دانگ کتابت جلی به شماره ۸۸۰۲، در آستان قدس رضوی. در مورد این نسخ تاکنون از طرف مستشرقین تحقیقی صورت نگرفته است.

بعضی رقم‌های دیگر عبدالرشید عبار تنداز:

«کتبه الفقیر عبدالرشید»، «مشقه الفقیر عبدالرشید دلمی»، «مشقه رشید»، «کتب المذنب عبدالرشید»، «مشق

۱- مفاتیح الاعجاز (در شرح گلشن راز تالیف شیخ محمود تبریزی شبستری) کتاب آن، طاهر محمد هلالی به خط نستعلیق است، بارها این نسخه از عرض پادشاهان تیموری هندوستان و در صفحه آخر آن سجع مهر عبدالرشید دلمی ۱۰۲۴ ه ق کتاب دار خاصه بارگاه مشهود است. (آتابای، ۱۳۵۳، ۶۷۸)

جدول ۱- آثار نسخ خوشنویسی عبدالرشید دیلمی

نام نسخه	تاریخ	نوع رقم	شماره ثبت	محل نگهداری
نسخه خلدبرین	شهر جمادی الآخر سنه الف ۱۰۰۰	کتابه العبد المذنب عبدالرشید غفر ذنوبه	شماره ۲۲۲۴	کاخ موزه گلستان
نسخه ترجمه الصلوه، عبدالرشید	بی تا	قلم نیم دانگ خوش، بارقم «کتابه العبد- المذنب	شماره ۶۱۰.	کاخ موزه گلستان
نسخه مقالات خواجه عبدالله انصاری	بی تا	به قلم کتابت خوش، بارقم «کتابه عبدالرشید».	شماره ۹۶۰	کاخ موزه گلستان
نسخه چهل کلمه، به قلم دودانگ و کتابت عالی	سنه ۱۰۳۲	رقم «شرف بکتابتها العبد الحقیق رشید»، غفرالله ذنوبه	شماره ۲۲۴۶	کاخ موزه گلستان
نسخه ترجیع بند، به قلم کتابت خوش	بی تا	رقم «عبدالرشید»	شماره ۷۴۲	کاخ موزه گلستان
نسخه تحفه العراقین،	بی تا	رقم کتب المذنب عبدالرشید	شماره ۶۷۰	کاخ موزه گلستان
نسخه اشعار ابوتراب فرقتیانجرانی جوشقانی	بی تا	کتابت جلی عالی، بارقم کتب المذنب عبدالرشید	به شماره ۵۳۷	کاخ موزه گلستان
آداب دعا	بی تا	عبدالرشید	شماره ۱۲۸۴۴	آستان قدس رضوی
جنه الامان الواقیه و جنه الایمان الباقیه، نوشته مصباح کفعمی به زبان عربی	بی تا	عبدالرشید	شماره ۹۳۶۲	آستان قدس رضوی
شرح دیوان خاقانی، نوشته داوود شادی- آبادی، به فارسی	بی تا	عبدالرشید	شماره ۸۸۰۲	آستان قدس- رضوی



تصویر ۱۳ - تحفه العراقین، کتابت عبدالرشید دیلمی، ماخذ: بخش نسخ خطی، کاخ موزه گلستان



تصویر ۱۲ - تحفه العراقین، کتابت عبدالرشید دیلمی، ماخذ: بخش نسخ خطی، کاخ موزه گلستان

ملاک ارزبایی و شناسایی نسخ خطی در این کتابخانه بر اساس نظرات کارشناسان دوره قاجاریه بوده است. یعنی همان نظراتی که کارشناسان دوره قاجار در کتب خطی مرقوم کرده بودند پایه و اساس شناسایی قرار گرفت و تحقیقات دیگری صورت نگرفته است. (عبدالله انوار، آبان ۱۳۹۰)

دکتر عارف نوشاهی، رئیس دانشکده ادبیات فارسی کالج گوردون راولپندی^۲ در اسلام آباد پاکستان، تحقیقاتی در مورد فهرست کتب خطی فارسی در پاکستان و هند داشته است.

وی اعتقاد دارد کتابت شاهنامه توسط عبدالرشید دیلمی دوران ذهن است و به منابع و فهرست مشترک کتب فارسی پاکستان و هند اشاره نمود. (نوشاهی، خرداد ۱۳۸۹)

از بررسی موضوعات کتب باقی مانده به خط عبدالرشید دیلمی مانند (خلد برین، ترجمه الصلوه، مقالات خواجه عبدا... انصاری، چهل کلمه حضرت امیر، تحفه العراقین (منتخب اشعار خاقانی)، اشعار ابوتراب فرقتی انجرائی جوشقانی، آداب دعا، و شرح دیوان خاقانی می توان گفت موضوعات مورد علاقه وی برای کتابت، همراه با مضامین و مفاهیم ادبی، عرفانی، اخلاقی و مذهبی با گرایشات و تفکرات شیعی است. چنانچه به گفته ایرج افشار در بین موضوعات کتابت شده توسط عبدالرشید، ادبیات اسطوره‌ای و حماسی مشاهده نشده است و کتابت شاهنامه توسط ایشان غیر قابل تصور است. (ایرج افشار، اردیبهشت ۱۳۸۹)

لاهور ۲۰۰۳)، فهرست کتب فارسی ایران و هند ۹ جلدی کتابخانه خانه فرهنگ ایران در هند، تألیف احمد منزوی (چاپ دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۶) و فهرست کتب و مقالات فارسی مشترک ایران و هند، کتابخانه پتته تصحیح و تنظیم احمد منزوی (چاپ لاهور ۲۰۰۴) و فهرست کتب و مقالات فارسی، تألیف ایرج افشار (چاپ دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۳) نام و نشانی از شاهنامه به جا مانده با خط عبدالرشید دیلمی وجود ندارد.

دروغ نامه‌های موجود در آستان قدس رضوی و وقف نامه‌های کاخ موزه گلستان در دفتر ثبتی کاخ گلستان به شماره A.B ۸۹۶ نیز اشاره‌ای به وجود شاهنامه کتابت شده توسط عبدالرشید دیلمی نشده است.

تنها در فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی، تألیف بدری آتابای و همچنین در برگ شناسه کتاب در صفحه آستربردقعه نسخه خطی شاهنامه رشیدا به تصدیق معتمدالدوله کتابدار کتابخانه سلطنتی فتحعلی شاه قاجار، این شاهنامه به کتابت عبدالرشید دیلمی یا همان رشیدا منسوب است. در حالی که قبل از آن‌ها هیچ یک از محققان در نوشته‌های خود در مورد آثار باقی مانده از عبدالرشید دیلمی، اشاره‌ای به شاهنامه کتابت شده توسط وی نداشته‌اند.

به گفته عبدالله انوار^۲ که در زمان تنظیم فهرست نسخ خطی کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان با بدری آتابای همکاری داشته،

۱- مرحوم معتمد، منظور معتمدالدوله و منشی الممالک و کتابدار کتابخانه سلطنتی فتحعلی قاجار است با سجع مهر ایشان در آستربردقعه شاهنامه رشیدا به نام عبدالوهاب موسوی وجود دارد. (بیاتی، ۱۳۴۶، ۳۰۱)

۲- عبدالله انوار نسخه شناس کتابخانه ملی هم‌زمان کتابخانه مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۳-۱۳۷۹) و کتابخانه س لطنی کاخ گلستان (۱۳۴۵-۱۳۵۷).

3-Gordon College Ruvealpindi



تصویر ۱۴- مهر عبدالرشید دیلمی، بنده شاه جهان عبدالرشید دیلمی، در کتاب مفاتیح الاعجاز، ماخذ: بخش نسخ خطی، کاخ موزه گلستان

آثار را نشان می‌دهد. این روش تطبیقی، به چگونگی اجزا و شکل‌های به‌کار رفته در اثر هنری می‌پردازد. در تمامی ادوار رسم الخط فارسی، هر یک از کاتبان برای نوشتن برخی از حروف و کلمات علائم خاصی به‌کار برده‌اند که با کاتبان دیگر تفاوت دارد. مقایسه رسم الخط شاهنامه رشیدا با چهل‌کلمه، تحفه‌العراقین و قطعات عبدالرشید نشان می‌دهد که رسم الخط این‌نسخه با سایر آثار قلم‌رشیدا متفاوت است. برای نتیجه‌گیری از این مقایسه علاوه بر شرح تفاوت شکل حروف مفرد خوشنویسی شاهنامه نمونه‌های رقم‌دار عبدالرشید و نظرات تخصصی اساتید هنر خوشنویسی مانند (غلام حسین امیرخانی، عباس اخوین، علی واشقانی، فتحعلی واشقانی و مجتبی سبزه) نیز در قالب جدولی برای نتیجه بهتر ارائه می‌گردد. (جدول ۲)

مقایسه حروف

در شاهنامه رشیدا (الف) کوتاه‌تر نوشته شده و کمی نیز ضخیم‌تر است و در چهل‌کلمه کمی بلندتر و باریک‌تر ولی در تحفه‌العراقین به مراتب کشیده‌تر، ظریف‌تر و روان‌تر رسم شده است. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا (ب) کمی ضخیم‌تر و کشیدگی کم‌تری دارد، در تحفه‌العراقین و چهل‌کلمه این حرف کم‌تر رو به بالا بوده و بیش‌تر مستقیم دیده می‌شود و ظرافت و کشیدگی زیادی دارد. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا حرف (جیم) ابتدای سر آن دهانه بسته‌تری دارد و قوس نون معکوس آن نیز گردتر و بسته‌تر است. در تحفه‌العراقین و چهل‌کلمه در ابتدا دهانه بازتر و در انتها قوس نون معکوس بازتر و کم‌انی‌تر است. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا حرف (دال) ابتدای آن پهن‌تر و ضخیم‌تر و شکستگی نرم در وسط دارد. در تحفه‌العراقین و چهل‌کلمه (دال) ظریف‌تر است و ضخامت کم‌تری دارد و قوس بسیار باریک و نرم به طرف پایین دارد.

در شاهنامه رشیدا حرف (را) خطی مایل به طرف پایین بوده و دارای قوس کم‌تری است و حروف متصل به هم (ره) دیده نمی‌شود. در چهل‌کلمه حرف (را) متصل به (ها) به صورت نون معکوس دیده می‌شود و حرف (ه) به شکل نقطه بر یک طرف (ن) متصل شده است.

در تحفه‌العراقین و چهل‌کلمه حرف (را) قوس ملایم و ظریف و اندک برآمدگی بیرونی دارد. (جدول ۲) براساس قواعد خوشنویسی در زمان میرعماد و شاگردانش سه نقطه زیر حرف سین نوشته می‌شد. در کتاب چهل‌حدیث و تحفه‌العراقین زیر برخی از حروف (سین) سه نقطه دیده می‌شود و حرف (سین) دندان‌دار یا یک‌شکست نیم دندان‌دار به حرف بعدی متصل شده که باعث تفکیک دو حرف گردیده و زیبایی خاصی ایجاد شده است حتی در حروف پرندانه به‌کارگیری دندان‌دار شاخص باعث تفکیک حروف شده و از نظر زیبایی‌شناسی و فن خوشنویسی نشان‌گر تکامل خطی می‌باشد و از طرف دیگر باعث راحت‌تر خوانده شدن کلمه می‌شود. در

اشعار در وصف خلفا در شاهنامه موسوم به رشیدا

شاهنامه رشیدا، اثری است که در دوران شیعه‌گری ایران به نگارش در آمده است. حکومت صفوی مذهب تشیع را به عنوان یکی از ابزارهای سیاسی برای پیشبرد اهداف خود قرار داد و آن را عامل اتحاد بین نژادهای مختلف در نظر گرفت. اما در شاهنامه رشیدا چهاربیت شعر در مدح و ثنای خلفای اهل تسنن نیز وجود دارد:

چهارم علی بود جفت بتول

که او را به حق می‌ستاید رسول

(شاهنامه رشیدا، ۱۷)

این اشعار از یک سو خلاف عقیده مذهبی فردوسی و از سوی دیگر با اهداف حکومت صفویه منافات دارد. احتمالاً این شاهنامه دور از قلمروی نظارتی و عقاید حکومت صفویه تهیه و نگارش شده است، آیا می‌توان تصور کرد یک کاتب اهل شیعه و از سادات حسنی، همچون عبدالرشید دیلمی چهاربیت شعر در ثنای خلفای اول تا سوم در متن شاهنامه رشیدا، کتابت کرده باشد؟

نجیب مایل‌هروی، نظری مشابه ایرج افشار دارد، به این شرح که شخصیت، نحوه زندگی و آراستگی ذاتی که از عبدالرشید دیلمی نقل شده است، نمی‌توانسته شاهنامه‌ای جهت حاکمان وقت کتابت کرده باشد. (نجیب مایل‌هروی، شهریور ۱۳۸۹) زیرا وی از سادات حسنی بوده و در شیعه بودن او نمی‌توان شک داشت. از سوی دیگر مخالفت و ستیز وی مانند میرعماد استاد او در مقابل کشتار و جنگ و خون‌ریزی‌های مسلمانان چه سنی و چه شیعی توسط حاکمان قدرتمند شیعیان، عثمانی‌ها و صفویان است. هرگز او در دربار حاکمان این چنین، راهی و مقامی نداشته است.

تطبیق و مقایسه رسم الخط عبدالرشید دیلمی با خوشنویسی شاهنامه رشیدا

تطبیق و مقایسه شیوه رسم الخط شاهنامه رشیدا با آثار خوشنویسی باقی‌مانده از عبدالرشید دیلمی تفاوت‌های این

جدول ۲- مقایسه رسم الخط آثار رقم دار عبدالرشید دیلمی (چهل کلمه، تحفه العراقین، قطعات) با شاهنامه رشیدا، تنظیم از نگارندگان با استفاده از نظر اساتید و هنرمندان خوشنویس معاصر ایران

حروف	رسم الخط شاهنامه رشیدا	رسم الخط تحفه العراقین	رسم الخط چهل کلمه	رسم الخط قطعات عبدالرشید
ش				
ص				
س				
ط				
ث				
ج				
ح				

حروف	رسم الخط شاهنامه رشیدا	رسم الخط تحفه العراقین	رسم الخط چهل کلمه	رسم الخط قطعات عبدالرشید
ف				
ق				
ک				
ل				
م				
ن				
و				

حروف	رسم الخط شاهنامه رشیدا	رسم الخط تحفه المراقین	رسم الخط چهل کلمه	رسم الخط قطعات عبدالرشید
ه				
ی				

شاهنامه رشیدا در هیچجا سه نقطه زیر حرف سین دیده نمی‌شود. (فتحعلی و اشقانی، علی و اشقانی تیر ماه، ۱۳۸۹)
در شاهنامه رشیدا دندانها شاخص تفکیک کننده حروف به کار نرفته و نیز در کلمات پر دندانها همیشه به صورت دو حرف دنداندار و قوسی نوشته شده است. (جدول ۲)
در شاهنامه رشیدا دندانهای حرف (سین) بسیار کوتاه و ضخیم و غیر قابل تشخیص است. در تحفه المراقین و چهل کلمه دندانها ظریفتر و کمی بلندتر و بیش تر قابل رویت است. حرف (سین) قوسی، در این دو نسخه، قوسی ملایم کشیده و شیبدار از بالا به پائین دارد و سر (سین) تیزتر است. در شاهنامه رشیدا (سین) قوسی، کمی ضخیمتر و گودتر و به اندازه نیم نقطه شیب کمتری دارد و سر (سین) تیز نیست. (جدول ۲)

شده است. (جدول ۲)
در تحفه المراقین (ف) و (قاف) در ابتدای کلمه با گردنی مشخص و کمی قوس دار نوشته شده و سر (فا) در مرکبات و بین حروف دیگر کوتاه و پوشیده نوشته شده است. در شاهنامه رشیدا در مرکبات و بین حروف دیگر به مراتب پوشیده تر نوشته شده و فضای نقطه وسط و داخل (ف) قابل رویت نیست در صورتی که در تحفه المراقین و چهل کلمه در این شکل فضای باز وسط (ف) قابل مشاهده است. (جدول ۲)
در شاهنامه رشیدا، حرف (کاف) شکل (الف) آن کمی کوتاهتر و ضخیمتر و کم تر از چهار نقطه است، در تحفه المراقین و چهل کلمه شکل (الف) آن بیشتر از چهار نقطه است و کشیده تر، بلندتر و ظریفتر نوشته شده است. سرکش حرف (کاف) در شاهنامه رشیدا متناسب با کل کلمه می باشد. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا، قوس (صاد) به اندازه نیم نقطه کم تر و قوس آن نیز مانند (نون) بسته تر است.
در تحفه المراقین و چهل کلمه قوس سر (صاد) و کشیدگی حرف بیش تر و قوس (صاد) باز تر است.
در شاهنامه رشیدا، سر (طا) کمی ضخیمتر، گردتر و خوابیده تر و (الف) آن کمی بلندتر و ضخیمتر است. در تحفه المراقین و چهل کلمه الف (طا) کوتاهتر و ظریفتر و بسیار کوچک و قوس سر (طا) ملایمتر و ایستاده تر رسم شده است. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا، قوس سر (صاد) به اندازه نیم نقطه کم تر و قوس آن نیز مانند (نون) بسته تر است.
در تحفه المراقین و چهل کلمه قوس سر (صاد) و کشیدگی حرف بیش تر و قوس (صاد) باز تر است.

در شاهنامه رشیدا، سر (طا) کمی ضخیمتر، گردتر و خوابیده تر و (الف) آن کمی بلندتر و ضخیمتر است. در تحفه المراقین و چهل کلمه الف (طا) کوتاهتر و ظریفتر و بسیار کوچک و قوس سر (طا) ملایمتر و ایستاده تر رسم شده است. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا، سر (میم) کمی گردتر، ضخیمتر و گردن آن مایل تر و اندازه کشیدگی آن کم تر از چهار نقطه است. در صورتی که در تحفه المراقین و چهل کلمه سر (میم) شبیه نقطه و ظریفتر و گردن آن قوسی ملایمتر دارد و کشیدگی آن بلندتر بوده و به اندازه پنج نقطه است. (جدول ۲)
در تحفه المراقین و چهل کلمه حرف (واو) نقطه مدور این حرف بزرگتر و (ر) آن کوچکتر و ظریفتر نوشته شده است ولی در شاهنامه رشیدا (واو) سر آن گردتر و

کلماتی مانند (همه، ترجمه) در زمان عبدالرشید دیلمی به صورت کوتاه و خنجری نوشته شده و در اغلب نوشته ها و خطوط وجود دارد. اما در شاهنامه رشیدا چنین اتصالات و حرکاتی وجود ندارد و این مساله نشانه تکامل خط می باشد. (فتحعلی و علی و اشقانی ۸۹/۵/۲۷) (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا، شکل نعلی (عین) نوشته شده در تحفه المراقین و چهل کلمه (عین) به شکل صادی رسم

می‌توان گفت خط متعلق به دوره صفوی است. حرکات و حالات کشیده‌ها، تیزی قلم شکل دواير و اتصالات مخصوص به آن دوران و مهم‌تر از همه تلاشی که هنرمند کاتب داشته تا شبیه خط استاد میرعماد حسنی شود، گویای این است که خوشنویس این شاهنامه هنر آموخته استاد میرعماد بوده و یا در مکتب او پرورش یافته است. با توجه به نقاشی‌های این شاهنامه و نیز نوع کاغذ، تذهیب و کتاب‌آرایی‌اش می‌توان گفت در ایران انجام شده است. از آن‌جا که سندی وجود ندارد و به دلیل عدم وجود امضای کاتب در یک بررسی کلی و دقیق، می‌شود گفت که خط عبدالرشید نیست. (مجتبی سبزه، ۱۳۸۹/۵/۲۶)

رسم الخط و شیوه نگارش شاهنامه منسوب به رشیدا نمایان‌گر تکامل هنر خوشنویسی است، به گونه‌ای که اشکال نازیبار آن حذف‌گردیده، مواردی همچون کشیدگی، کوتاهی، بلندی، گودی حروف و کلمات تحول و تکامل یافته‌اند. خط نستعلیق در نگارش شاهنامه مذکور به طرز چشم‌گیر و قابل قبول نسبت به زمان عبدالرشید دیلمی (دوره صفوی) تکامل یافته و زیباتر شده است. در اتصالات دو حرف دندانه دار مثل (شست، نشست و امثالهم) در کتاب چهل کلمه رشیدا تفکیک نشده است و این موضوع عدم تکامل خط نستعلیق در زمان رشیدا بوده است، در صورتی که به مرور زمان بر اثر تکامل و نگرش زیباشناسانه خوشنویسان این گونه اتصالات با ایجاد دندانه شاخص موجب تفکیک دو حرف گردیده که باعث زیباتر شدن کلمه و راحت‌تر خوانده شدن آن گردیده است. (فتحعلی و علی و اشقانی، ۸۹/۵/۲۷)

تفاوت‌های بی‌شمار کتابت شاهنامه رشیدا با دو نسخه چهل کلمه و تحفه‌العراقین، تفکیک کاتب این نسخ راحتی از نظر زمانی موجب می‌شود. (همان)

بررسی و تحلیل رسم‌الخط شاهنامه رشیدا از جنبه شکل و به‌کارگیری مفردات حروف، همچنین نحوه ترکیب آن‌ها در مقایسه و تطبیق با سایر آثار به‌جامانده از عبدالرشید دیلمی، تفاوت اصلی هر یک را به‌طور ملموس و ساده نشان می‌دهد. رسم‌الخط شاهنامه رشیدا زیباتر از سایر آثار عبدالرشید دیلمی است و حتی از نظر زیبایی‌شناسی، و شیوه کتابت هم تکامل آن را از نظر زمانی نمایان می‌سازد.

ضحیم‌تر و (ر) آن مشخص‌تر و ضخیم‌تر است. در تحفه‌العراقین اقسام (ه) با ارتفاع بیش‌تر از خط‌کرسی قرار گرفته و شیب آن کشیده‌تر و ملایم‌تر است. در شاهنامه رشیدا و چهل کلمه اقسام (ه) بیش‌تر به هم شباهت دارند ولی در چهل کلمه زیباتر و روان‌تر کتابت شده است. در چهل کلمه (ره) متصل به هم به‌کار رفته و در شاهنامه رشیدا و تحفه‌العراقین (ه) غیرمتصل نوشته شده است. ولی در شاهنامه رشیدا (ه) اغلب شبیه یک نقطه است. در تحفه‌العراقین و چهل کلمه فضای داخل حرف (ه) بیش‌تر دیده می‌شود. در شاهنامه رشیدا و چهل کلمه نوع دالی و صادی (ها) از نظر ضخامت و کشیدگی شباهت بیش‌تری دارند ولی در تحفه‌العراقین این حروف ظریف‌تر، کشیده‌تر و باقوس ابتدایی زیاد دیده می‌شود. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا نوع حوتی و انذنی و مرسل (ها) نامحسوس‌تر نگاشته شده است. در تحفه‌العراقین و چهل کلمه انواع حوتی، انذنی و مرسل (ها) واضح‌تر، نوشته شده‌اند. به‌ویژه در تحفه‌العراقین واضح‌تر، ظریف‌تر و کشیده‌تر نگاشته شده است. (جدول ۲)

در شاهنامه رشیدا، (یا) معکوس باقوس و لغزندگی خط همراه است. در تحفه‌العراقین و چهل کلمه قوس یک‌دست و روان بدون لغزش نگاشته شده است. در شاهنامه رشیدا (یا) کوتاه‌تر، ضخیم‌تر و کشیدگی کم‌تری دارد، در تحفه‌العراقین و چهل کلمه (یا) ظریف‌تر، کشیده‌تر و روان‌تر نگاشته شده است. (جدول ۲) علاوه بر این موارد، اساتید خوشنویس صاحب‌نامی همچون امیرخانی، و اشقانی و سبزه در مورد ویژگی‌های خط این نسخه و مطابقت نداشتن آن‌ها با خط رشیدا، به‌طور کلی نظرات همسانی دارند.

از جمله استاد امیرخانی که معتقد است: «نسخه بسیار زیبا و اصیل شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در مخزن کاخ گلستان ملاحظه شد به قلم نستعلیق دودانگ کتابت با نواخت و بسیار مطلوب، جنس و شیوه خط با ساختار و هندسه خوشنویسی صفویه تطبیق دقیق داشت ولی نشانه‌ها و نکات فنی این کتاب با خط عبدالرشید دیلمی، خواهرزاده و شاگرد عالی‌مقام حضرت میرعماد تطبیق نداشت». (امیرخانی، ۱۳۸۹/۵/۱۷) با توجه به کلیه شواهد، قرائن و بررسی دقیق

نتیجه

شاهنامه منسوب به عبدالرشید دیلمی یکی از مهم‌ترین نسخ مصور شاهنامه از سده یازدهم هـ. ق محسوب می‌شود و نگاره‌های بدون رقم آن متعلق به مکتب اصفهان است. مهاجرت عبدالرشید دیلمی به هندوستان تا پایان عمرش ادامه یافت و پس از آن در هیچ یک از کتب تاریخی، تذکره‌ها و فهرست مشترک کتب فارسی در ایران، هند و پاکستان اشاره‌ای به کتابت شاهنامه توسط او نشده است. این مساله گویای این موضوع است که شاهنامه منسوب به رشیدا، هرگز توسط عبدالرشید دیلمی کتابت

نشده است. تطبیق و مقایسه شیوه رسم الخط شاهنامه رشیدا با آثار باقی مانده از عبدالرشید دیلمی تفاوت شیوه خوشنویسی این نسخه با سایر نسخ کتابت شده توسط او را نشان می دهد. شکل و به کارگیری مفردات و نحوه ترکیب بندی حروف تفاوت های شاخصی در نسخ مورد اشاره دارد که شامل کشیدگی ها، گودی، اتصالات، اندازه و ابعاد، نقطه گذاری ها، ضخامت و نازکی حروف است. این تفاوت ها در شیوه رسم الخط شاهنامه رشیدا با شیوه اجرایی کتابت سایر نسخ و آثار امضاء دار عبدالرشید دیلمی کاملاً بارز است. تکامل خط در شاهنامه رشیدا و زیبایی ساختار هندسی و نگارش آن نشان از کاتب دیگری دارد که باعث می شود در انتساب این شاهنامه به عبدالرشید دیلمی تردید کرده و آن را متعلق به او ندانیم.

منابع و ماخذ

- آتابای، بدری، فهرست کتب خطی دینی و مذهبی کتابخانه سلطنتی، چاپخانه زیبا، تهران، ۱۳۵۳.
- آتابای، بدری، فهرست دیوان های خطی کتابخانه سلطنتی، انتشارات زیبا، تهران، ۱۳۵۶.
- آتابای، بدری، فهرست نسخ خطی کتابخانه سلطنتی، انتشارات زیبا، تهران، ۱۳۵۶.
- استرآبادی، محمدقاسم، هندوشاه، تاریخ فرشته از آغاز تا بابر و عادل شاهیان، تصحیح و توضیح اضافات محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
- استرآبادی، محمدقاسم، تاریخ جهان گشای نادری، به اهتمام عبدالعلی ادیب برومند، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰.
- اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به تصحیح و اهتمام ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- بختاوران، محمد، مرآة العالم، تاریخ اورنگ زیب تذکره مشایخ و خطاطان، تصحیح ساجده بن علوی، دانشگاه لاهور، پاکستان، ۱۹۷۹.
- بدائونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب با مقدمه و اضافات توفیق هسبجانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان (نستعلیق نویسان)، ج سوم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳.
- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، گنجینه تحقیقاتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴.
- جعفری مذهب، علی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، چاپخانه زرین، تهران، ۱۳۷۷.
- سرمدی، عباس، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، هیرمند، تهران، ۱۳۸۰.
- سمسار، محمدحسن، (گنجینه کتب و نفاثات خطی) گزینه ای از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی، انتشارات زرین و سیمین، تهران، ۱۳۷۹.
- شریف زاده، عبدالمجید، نامورنامه، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
- قاضی احمدتوری و آصف خان قزوینی، تاریخ الفی، تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال های (۸۵۰-۹۸۴ هـ.ق)، به کوشش سیدعلی آل داود، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۸.
- قاضی احمدقمی، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، ج ۱ و ۲، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳.
- قاضی احمدقمی، گلستان هنر، تصحیح و اهتمام احمدسهیلی خوانساری، چاپخانه گلشن، تهران، ۱۳۶۶.
- کنبو، محمدصالح، شاه جهان نامه (ج دوم)، تصحیح غلام یزدانی و وحید قریشی، لاهور، انتشارات مجلس ترقی ادب، پاکستان، ۱۹۶۷.
- لاهوری، عبدالحمید، شاه جهان نامه (ج اول)، تصحیح غلام یزدانی و وحید قریشی، چاپ کلکته، ۱۹۶۷.



- لسان‌الملک، هدایت‌ا...، تذکره خوشنویسان، چاپخانه روشن، تهران، بی تاریخ.
- مایل هروی، نجیب، کتاب آرای در تمدن اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- مروی، محمدکاظم، عالم آرای نادری، تصحیح و اهتمام محمدمین ریاحی، ج ۲، چاپ زواره، تهران، ۱۳۶۴.
- مولوی محمدشفیع، هنروران و خط و خطاطان، تصحیح احمدربانی، انتشارات مجلس ترقی ادب، پاکستان لاهور، ۱۹۶۷.
- میرزامحمدبن رستم حارثی بدخشی دهلوی، تاریخ محمدی، به تصحیح نثار احمدفاروق، نشر کتابخانه رامپور، دانشگاه دهلی، ۲۰۰۳.
- هفت قلمی، غلام محمد، تذکره هفت قلمی، نشر روزنه، تهران، ۱۳۷۷.